

واکاوی رفتار سیاسی فرودستان در عصر قاجاریه با تکیه بر ضرب‌المثل‌های فارسی

*مهدی میرکیایی

چکیده

کاوش در زندگی سیاسی فرودستان از حوزه‌هایی است که عموماً در تاریخ‌نگاری ایران از آن غفلت شده است. خشونت‌گریان قدرت در عصر پیشامدرن توده‌ها را به استتار اعتراضات وادار می‌کرد؛ از همین رو رصد این اعتراضات در بایگانی‌ها یا تاریخ‌نگاری‌های رسمی دشوار است. در این میان قوالب گوناگون فرهنگ عامه ظرفیت مناسبی برای این پوشش و استتار داشتند. ضرب‌المثل‌ها یکی از متداول‌ترین این قالب‌ها هستند که بررسی بخشی از آن‌ها با درونمایه نقد قدرت، در شناخت رفتار سیاسی توده‌ها بسیار موثر است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ این پرسش‌هاست: این ضرب‌المثل‌ها به کدام سطوح از کنش سیاسی توده‌ها تعلق دارند و کدام یک از بخش‌های روایت رسمی حکومت را به چالش می‌کشند؟ فرض پژوهش این است که با استفاده از ضرب‌المثل‌ها می‌توان واکنش توده‌ها به سلطه را در سه سطح تأیید، نقد غیابی و نیز انتقاد استتار شده در حضور ارباب قدرت رصد کرد. این

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. mehdimirkiaei@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۳۰



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies).
This is an Open Access article distributed under the terms of the **Creative Commons Attribution 4.0 International**, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

ضرب‌المثل‌ها ادعای سیادت ذاتی، اقتدار و دادپیشگی زمامداران را زیر سوال می‌برند. چهارچوب نظری پژوهش، نظریه «روایت‌های نهانی» است که واضح آن، جیمز سی. اسکات، حیات سیاسی فرودستان را با تقسیم بندی آن به سطوح مختلف واکنش به قدرت تشریح کرده و بخصوص شیوه‌های متنوع نقد تلویحی قدرت در حضور ارباب قدرت را شناسایی و تبیین کرده است. تلاش شده است کنش سیاسی توده‌ها با استفاده از ضرب‌المثل‌هایی که از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند در چهارچوب این نظریه تحلیل شود. کاوش در ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهد که واکنش فرودستان به سلطه از پیچیدگی و تنوع ویژه‌ای برخوردار است و پیوستار گسترده‌ای را از تمکین در برابر قدرت تا نقد آن در غیاب و حضور نخبگان حاکم در برمی‌گیرد. همچنین شامل توصیه‌هایی برای مقاومت عملی در برابر بهره‌کشی است. از سوی فرودستان در پایداری پنهان خود می‌کوشند هر سه ساحت سلطه مادی، منزلتی و ایدئولوژیک را به چالش بکشند.

کلید واژه‌ها: قاجاریه، اعتراض سیاسی، ضرب‌المثل، فرودستان.

۱. مقدمه

رفتار سیاسی فرودستان از حوزه‌های کمتر کاویده شده در پژوهش‌های تاریخی ایران است؛ عموماً پژوهشگران، این گروه عظیم از جامعه ایرانی را تنها در دوره‌های محدود و محدود شورش، بلوا و اعتراض‌های خشونت بار مورد توجه قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که گویا در سایر دوره‌ها فاقد حیات سیاسی بوده‌اند. اما سلطه با هر صورت و شکلی که اعمال می‌شد واکنش و مقاومت توده‌ها را در پی داشت؛ در چنین وضعیتی باید فرودستان را در تب و تاب و کشمکش دائم سیاسی با فرادستان در نظر آوریم. بدیهی است که به علت خشونت عربان سلطه در عصر پیشامدرن، این مقاومت نیز با استتار و پنهانکاری صورت می‌گرفت و بسیاری از وجوه مقاومت خاموش فرودستان و تکاپوهای نامحسوس سیاسی آن‌ها در بایگانی‌های رسمی ثبت نمی‌شد و نمی‌توان پژوهش در این بخش مغفول مانده از تاریخ ایران را تنها با مراجعه به اسناد و مکاتبات دولتی به سامان رساند. استتار دیدگاه‌های انتقادی درباره سلطه

در قوالب ادبی و فرهنگی که دو خوانش سیاسی و بی ضرر از آنها ممکن بود چاره‌ای برای مصون ماندن از خشونت نخبگان مسلط بود. از همین رو یکی از بهترین راه‌های شناسایی فرهنگ سیاسی توده‌ها کاوش در فرهنگ عامیانه است. ضرب‌المثل یکی از متداول‌ترین قوالب ادبی عامه است که به علت ایجاز، روانی و در برخی موارد طیبیت آمیز و آهنگین بودن به بخشی جدا نشدنی از زبان روزمره تبدیل شده است. در این میان، آمیزش برخی ضرب‌المثل‌ها با مضامین سیاسی و نقد قدرت، آنها را به ابزاری موثر در کشمکش سیاسی پوشیده با نخبگان مسلط تبدیل می‌کرد. همین امر، کاوش در ضرب‌المثل‌ها را برای شناخت رفتار سیاسی فرودستان ضروری می‌سازد.

این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش هاست: ضرب‌المثل‌هایی که درون مایه آنها واکنش توده به سلطه بود هر یک به چه سطحی از کنش سیاسی توده‌ها تعلق داشتند و کدام یک از بخش‌های روایت رسمی حکومت را به چالش می‌کشیدند؟

فرض پژوهش این است که این ضرب‌المثل‌ها در گام نخست راوی کنش تایید روایت رسمی حکومت درباره وضعیت کشور و تمکین در برابر قدرت آن هستند. توده در این سطح به گفتگوی ایدئولوژیک با نخبگان حاکم می‌پرداخت و از روزهایی که برای تفسیر ادعاهای حکومت در جهت منافع عامه وجود داشت استفاده می‌کرد تا حکمرانان را به تامین بخشی از منافع فرودستان وادارد. این ضرب‌المثل‌ها در گام دوم در بردارنده روایت نهانی توده‌ها در تقابل با روایت رسمی حکومت بود که از سویی انتقادهای تند از سلطه را در بر داشت و از طرفی شیوه‌های عملی را برای به حداقل رساندن غضب دسترنج توده‌ها توصیه می‌کرد. این ضرب‌المثل‌ها برخی از مهمترین محورهای روایت رسمی حکومت همچون صلابت و اقتدار حکمرانان، سیادت ذاتی و برتری تکوینی آنها بر عامه مردم، دادگری زمامداران، آبادانی کشور و رضایت رعیت را زیر سوال می‌بردند.

پیش از این پژوهش‌های اندکی در ارتباط با ضرب‌المثل‌های سیاسی صورت گرفته است. پورعظیمی و قهرمانی ارشد در مقاله «پیش زمینه‌های استبداد پذیری در امثال فارسی» تنها به مبحث استبداد پذیری در کنش سیاسی فرودستان در ضرب‌المثل‌ها پرداخته‌اند و عوامل

خودمداری و مشارکت‌گریزی، جبر باوری، سنت‌گرایی، اقتدار‌گرایی و هراس‌افکنی را از علل آن معرفی کرده‌اند؛ اما استبداد‌پذیری توده‌ها که به سطح نخست کنش سیاسی آن‌ها تعلق دارد از پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های بیشتری برخوردار بوده که با مشاهده لایه‌های نخست آن نباید از لایه‌های پنهان‌تر و همچنین سایر سطوح عمل سیاسی فرودستان غافل بود. همچنین باقری و امینی در مقاله «حکومت و سیاست در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی» تنها به تقسیم‌بندی ضرب‌المثل‌هایی که به حوزه سیاست و حکومت مربوط بوده پرداخته‌اند و چون از چهارچوب نظری مشخصی در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بهره نبرده‌اند پژوهش‌شان به همین تقسیم‌بندی موضوعی محدود شده؛ به گونه‌ای که نمی‌توان در پایان این پژوهش، تصویری منسجم از رفتار سیاسی عامه بر مبنای ضرب‌المثل‌ها به دست آورد. سهرابی زاده و یزدخواستی در مقاله «مطالعه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در ضرب‌المثل‌های فارسی» با روش تحلیل محتوا ضرب‌المثل‌های مندرج در کتاب «امثال و حکم» علی‌اکبر دهخدا را طبقه‌بندی و این ضرب‌المثل‌ها را در سه گروه جهان‌نگری معرفتی، دینی و فلسفی؛ جهان‌نگری اجتماعی، ارزشی و اخلاقی و جهان‌نگری سیاسی تقسیم‌بندی کرده‌اند. بخش سوم به چهار گروه نگرش به شاه و دستگاه قدرت سیاسی، نگرش به عدالت و ظلم، بازتاب واکنش در برابر مصائب و مشکلات و نگرش به مدیریت دوگانه تقسیم شده است. اما از آنجا که این طبقه‌بندی‌ها بر اساس چهارچوب نظری مشخصی صورت نگرفته نمی‌توان از کنار هم نهادن این موضوعات به یک کل ساختارمند و اندام‌واره رسید؛ بخش‌هایی که ارتباط ساختاری و مکمل با هم ندارند و از همین رو نمی‌توانند رفتار سیاسی توده‌ها، بازتاب یافته در ضرب‌المثل‌ها، را تشریح کنند.

نوآوری این پژوهش نسبت به مقالات مذکور توجه به پیچیدگی‌های رفتار فرودستان در برابر سلطه است که گاه متناقض به نظر می‌رسد و از کاوش در لایه‌های پنهان‌تر حیات سیاسی آن‌ها به دست می‌آید. بهره‌گیری از یک چهارچوب نظری در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی کمک کرده است که بر خلاف سایر پژوهش‌ها به تقسیم‌بندی موضوعی این

ضرب‌المثل‌ها بسنده نکرده و بتواند به تصویری منسجم و ساختارمند از کنش سیاسی توده‌ها دست پیدا کند.

چهارچوب نظری پژوهش، نظریه «روایت‌های نهانی» از جیمزسی. اسکات است که بر تشریح حیات سیاسی فرودستان متمرکز است؛ به ویژه در دوره‌هایی که تلاش می‌کردند بدون رویارویی خشونت‌بار و آشکار با سلطه، مقاومتی خاموش و پنهانی را سامان دهند.

روش پژوهش، تحلیل ضرب‌المثل‌ها با تاباندن پرتو این نظریه بر آن‌هاست تا حیات سیاسی فرودستان بر اساس آن تبیین شود. ضرب‌المثل‌ها به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند؛ ضرب‌المثل‌هایی که یا ارجاعات متنی و داستان‌های وقوع آن‌ها (قصه‌های امثال) تعلق شان را به دوره قاجاریه ثابت می‌کند یا نقل آن‌ها در منابع دست اول. همچنین در برخی از این ضرب‌المثل‌ها اشارات روشنی به بعضی القاب، مناصب و رسوم آن عصر دیده می‌شود. از سویی ذکر آن‌ها در مجموعه‌هایی که با فاصله زمانی اندکی پس از عصر قاجاریه گردآوری شده‌اند تداول آن‌ها را در آن عصر تأیید می‌کند.

۲. چهارچوب نظری

نظریه «روایت‌های نهانی» برای تبیین بخش مهمی از رفتار سیاسی فرودستان، در دوره‌هایی که به دور از شورش و بلوا به مقاومت تلویحی و خاموش در برابر سلطه می‌پردازند، تدوین شده است. به بیان اسکات فرودستان در بخش اعظم حیات سیاسی خود به کشمکش نامحسوس سیاسی با نخبگان حاکم مشغول‌اند که همچون پرتوهای فرسوخ در بیرون از طیف مرئی قرار می‌گیرد (اسکات ۱۳۹: ۱۹۷). نظریه «روایت‌های نهانی» بر مبنای این گزاره که «هرجا سلطه هست مقاومت نیز هست» پی ریزی شده است (اسکات ۱۳۹: ۱۲۴). این تقدم هستی‌شناسی سلطه بر مقاومت سبب می‌شود در تدوین این نظریه نیز نخست سیاست‌ها و رفتار ارباب قدرت در برابر توده‌ها بررسی شود. بر این اساس، اصحاب قدرت تلاش می‌کنند سلطه را به صورت همزمان در سه قلمرو مادی، منزلتی و ایدئولوژیک پیش ببرند (اسکات ۱۲۴: ۱۳۹۶). سلطه مادی به بهره‌کشی از فرودستان با ابزارهایی همچون اخذ مالیات، کار اجباری و... اختصاص دارد. در سلطه منزلتی، حاکمان بر اثبات برتری تکوینی و

سیادت ذاتی خود بر توده‌ها تاکید دارند و سلطه‌ایدئولوژیک با توجیه نابرابری‌ها بر اساس یک جهان بینی خاص پیگیری می‌شود.

نخبگان حاکم برای پیشبرد این سه ساحت سلطه به صورت بندی یک روایت رسمی یا نمایش عمومی می‌پردازند (اسکات ۱۳۹۶: ۳۰). این نمایش عمومی تابلو و تصویری برساخته حکومت است که بر صلابت و اقتدار نخبگان حاکم در سرکوب مخالفان تاکید دارد. بر سیادت ذاتی آن‌ها بر توده‌ها و تقیدشان به یک ایدئولوژی خاص مهر تایید می‌زند و آبادانی کشور، رضایت توده‌ها و دادگری زمامداران را تبلیغ می‌کند.

نخبگان مسلط برای مانایی این روایت رسمی از پنج راهبرد اصلی بهره می‌برند: پنهان سازی، بدنام سازی، تلطیف، اجماع و رژه و تجمع.

در «پنهان سازی» حکومت تلاش می‌کند هر آنچه را که شکوه و اقتدار، پاکدستی اجزاء آن یا تقید آن‌ها را به ایدئولوژی ادعایی زیر سوال ببرد پنهان کند (اسکات ۱۳۹۶: ۶۲). در «بدنام سازی» برخی فعالیت‌ها و افراد که در مخاصمه با ارباب قدرت قرار دارند بدنام و بی‌آبرو می‌شوند (اسکات ۱۳۹۶: ۶۷)؛ «تلطیف» راهبرد زمامداران برای تزیین و بزک کردن آن دست از اعمال حکومت است که قابل پنهان کردن نیستند (اسکات ۱۳۹۶: ۶۵). به عنوان مثال به جای عبارت «اشغال نظامی» از تعبیر «اعاده نظم و آرامش» استفاده می‌شود. «اجماع» به دنبال تاکید بر یکپارچگی و همسویی عناصر حکومت است (اسکات ۱۳۹۶: ۶۸). در «رژه و تجمع» نیز زمامداران شکوه و صلابت خود را به نمایش می‌گذارند و بر اقتداری تاکید می‌کنند که شاید با توان واقعی آن‌ها هیچ گونه نسبتی نداشته باشد (اسکات ۱۳۹۶: ۶۰).

بنابر نظریه «روایت‌های نهانی» توده‌ها در سه سطح به نمایش عمومی یا روایت رسمی حکومت واکنش نشان می‌دهند (اسکات ۱۳۹۶: ۳۰). سطح اول به تایید نمایش عمومی حکومت اختصاص دارد. فرودستان با تایید و پذیرش ادعاهای نخبگان حاکم به ویژه درباره دادگری و پایبندی ایشان به یک ایدئولوژی مشخص از آن‌ها توقع دارند به معیارهایی که مشروعیت‌شان را بر آن‌ها مبتنی کرده‌اند پایبند بمانند. به این ترتیب برخی از منافع توده‌ها «بی‌هیچ رنگ و بوی فتنه جویی در ایدئولوژی حاکم پدیدار می‌شود» (اسکات ۱۳۹۶: ۳۱). البته

در این سطح، تاکتیک های توده به گفتگوی ایدئولوژیک محدود نشده، از شگردهایی همچون «شاه دوستی ساده دلانه» نیز استفاده می کردند که در آن علت همه مصیبت ها و رنج های مردم کارگزاران شاه بودند، در حالی که او مهربان و عادل بود. این روش می توانست به ابزاری برای نافرمانی های گسترده در برابر عمال حکومت تبدیل شود که البته با ادعای وفاداری به پادشاه توجیه می شد (اسکات ۱۳۹۶: ۱۱۰).

سطح دوم واکنش فرودستان به «روایت های نهانی» آن ها تعلق دارد. اسکات معتقد است هر قدر سلطه شدیدتر باشد روایت های نهانی به همان شدت ایجاد می شود (اسکات ۱۳۹۶: ۳۹). او این روایت ها را «گفتمان بیرون از صحنه ضعیفان» (اسکات ۱۳۹۶: ۳۹) می نامد. فرودستان در نهانگاه ها و پناهگاه های امن خود، دور از چشمان قدرت، به صراحت از آن ها انتقاد کرده، تمام ابعاد روایت رسمی حکومت را زیر سوال می برند. این انتقادها در محافل امن توده ها «مرتب اول» روایت های نهانی را می سازند. اما روایت های نهانی مرتبه دیگری نیز دارد که زیر سایه سنگین قدرت بیان می شود و سطح سوم واکنش توده ها را شکل می دهد. هنگامی که تلاش می شود این روایت منتقد در سطح جامعه نیز مطرح شود تا فرودستان به نقد مشترک سلطه پردازند این سطح سوم شکل می گیرد (اسکات ۱۳۹۶: ۳۱). «نقد قدرت در حضور قدرت» باید به گونه ای انجام شود که گویندگان و حاملان آن از تعرض ارباب قدرت مصون باشند. به همین خاطر توده ها در این مرتبه، دست به استتار انتقادهای خود می زنند. این استتار به دو گونه ساده و پیچیده صورت می گیرد (اسکات ۱۳۹۶: ۱۵۳-۱۴۹). در استتار ساده، عامه مردم از ظرفیت های شفاهی ارتباطات خود بهره می برند. سخن گزنده ای درباره ارباب قدرت در میان جمعیت و هیاهوی بازار و خیابان نقل می شود اما یافتن گوینده آن برای ماموران حکومت در مقایسه با اعتراضات مکتوب دشوار به نظر می رسد. اسکات این استتار های ساده را «قلمرو گمنامی» می نامد؛ جایی که پیام آشکار ولی پیام دهنده پنهان است (اسکات ۱۳۹۶: ۱۵۲). اما در استتار پیچیده، توده ها از برخی قوالب فرهنگ عامه همچون داستان، نمایش، ترانه لطیفه، بازی و... بهره می برند که به شکلی طراحی شده اند که امکان دو خوانش بی ضرر و سیاسی از آن ها وجود داشته باشد (اسکات ۱۳۹۶: ۳۱). دو پهلو بودن

درونمایه این آثار، به گویندگان آن‌ها کمک می‌کند تا در صورت تعرض ماموران حکومت به معنای معصومانه و غیر سیاسی آن‌ها متوسل شوند. تاکتیک توده‌ها برای نقد تلویحی قدرت حجم عظیمی از فرهنگ عامیانه سیاسی را در قالب مختلف پدید آورده است. برخی شگردهای استتار در این مجموعه بزرگ فرهنگی از بسامد بیشتری برخوردارند که فرودستان آن‌ها را در قالب های مختلف داستان، نمایش، لطیفه، ضرب‌المثل، ترانه، بازی و... به کار می‌برند؛ ترفندهایی همچون وارونگی نمادین (اسکات ۱۳۹۶: ۱۸۰)، تلطیف (اسکات ۱۳۹۶: ۱۶۵) (با تلطیفی که حکومت در نمایش عمومی به کار می‌برد متفاوت است) و بهره‌گیری از صنایع ادبی همچون استعاره، کنایه و ایهام.

در «وارونگی نمادین» از آینده‌ای سخن گفته می‌شود که همه روابط قدرت در آن وارونه شده و ضعیف بر قوی چیره می‌شود. استتار چنین درون مایه‌ای گاه با توسل به قصه‌های حیوانات صورت می‌گرفت. شگرد «تلطیف» برای تهدید پوشیده‌ارباب قدرت به کار می‌رفت. توده‌ها با استفاده از تلطیف، تهدید خود را به گونه‌ای بیان می‌کردند که هم شنونده آن را دریابد و هم به‌اندازه‌ای مبهم باشد که از سوی ماموران حکومت صدمه‌ای به آن‌ها نرسد.

اسکات شکل مقاومت را بازتابی از شکل سلطه می‌داند (اسکات ۱۳۹۶: ۱۱۷) و آن را ویژگی انعکاسی روایت نهانی نامد. این ویژگی انعکاسی اقتضا می‌کند که فرودستان بخش های مختلف روایت رسمی حکومت را نفی کرده یا زیر سوال ببرند. آن‌ها در روایت نهانی خود اقتدار و صلابت حکومت، سیادت ذاتی اجزاء آن بر توده‌ها، پابندی نخبگان حاکم به‌ایدئولوژی و نیز آبادانی سرزمین و رضایت رعیت را نفی می‌کنند و تاکتیک های سلطه در صورت بندی نمایش عمومی اعم از پنهان سازی، بدنام سازی، تلطیف، اجماع و رژه و تجمع را خشی می‌کنند. به‌این ترتیب، نفی و خشی سازی به درون مایه بخش بزرگی از ادبیات سیاسی توده‌ها تبدیل می‌شود.

اما اسکات تاکید می‌کند روایت های نهانی تنها دربردارنده کنش های گفتاری نیست، بلکه پیوستار گسترده‌ای از اقدامات عملی را نیز در بر می‌گیرد که برای به حداقل رساندن غضب طرح ریزی شده‌اند (اسکات ۱۳۹۶: ۲۶). راه‌های مختلف کم‌کردن مالیات یا فرار از آن،

کم‌کاری، تخریب مزارع و دستگاه‌ها و... بخش عملی روایت های نهانی را می‌سازند که فرودستان از آن‌ها برای خشتی کردن تصاحب درست رنج شان توسط ارباب قدرت استفاده می‌کنند.

۳. روایت رسمی

روایت رسمی زمامداران قاجاریه درباره وضعیت کشور در مکاتبات دیوانی، خطابه‌های سلام نوروزی، روزنامه‌های دولتی، تاریخ‌نگاری های رسمی و برخی سیاست نامه‌ها که در هواداری نخبگان مسلط تالیف می‌شدند بازتاب یافته است. این روایت، تصویری از یک حکومت مقتدر، پرشکوه و با صلابت ارائه می‌کرد که اجزاء آن برتری ذاتی و سیادت جوهری و تکوینی بر فرودستان داشتند و پایبند شریعت بودند. در این روایت، کشور آباد بود و حکومت، دادگر و عدالت پیشه. به عنوان مثال القاب اردوی ظفر شکوه (خاوری ج ۱/۱۳۸۰: ۹۱) و دولت قوی شوکت (وقایع اتفاقیه، شماره ۱۷۹، ۱۰ سوال ۱۲۷۰) بر توانایی نظامی زمامداران قاجاریه تاکید می‌کردند؛ همچنان که اخبار روزنامه رسمی نیز راوی صلابت قوای قهریه حکومت بود: اعلی حضرت پادشاهی به میان افواج قاهره تشریف فرما گردیده، ملاحظه و تماشای مشق و حرکات آن‌ها را فرمودند. چون همگی در کمال آراستگی و انتظام بودند مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده، مورد تحسین گردیدند (وقایع اتفاقیه، شماره ۱۹۹، ربیع الاول ۱۲۷۱).

اما برتری تکوینی و ذاتی ارباب قدرت بر توده‌ها و عامه مردم، به ویژه در القابی که متون رسمی برای شاه، شاهزادگان و سایر رجال حکومتی به کار می‌بردند هویداست. شاه «مستجمع جمیع محاسن و محامد ظاهری و باطنی» (خاوری ج ۲/۱۳۸۰: ۹۴۹) بود. ذات کامل الصفات (ایران، شماره ۲۶، ۲ ربیع الاول ۱۲۸۸) و شخص عدیم المثال (ملت سنیه ایران، شماره ۱، ۱۵ محرم ۱۲۸۳) از دیگر القابی بود که بر خصایص ذاتی و تکوینی که خلقت او را از سایرین متمایز می‌کرد انگشت تاکید می‌نهاد.

در این روایت، ارباب سلطه به شریعت تقید کامل دارند و در «اعلی مراتب ایمان» قرار دارند: [ناصرالدین شاه] به قدر یک کرور خرج قبور مشاهد مشرفه کردند ... تکیه در ارگ

سلطانی مخصوصاً برای تعزیه داری ساخته‌اند که شنیدم به قدر یکصد هزار تومان تا به حال مخارج آن فرموده‌اند... وقتی به زیارت ائمه معصومین (ع) مشرف می‌شدند جاروب به دست مبارک گرفته، صحن آن مشاهد مقدسه را جاروب فرمودند و این فقره دلیل بر اعلی مراتب ایمان و اخلاص است (زرگری نژاد ج ۲/۱۳۸۶: ۳۰۰ و ۳۰۱). این بخش از گفتمان و روایت رسمی برای قوام بخشیدن به سومین ساحت سلطه یا سلطه‌ایدئولوژیک صورت بندی می‌شد. اما گفتمان مسلط به جز زمینه چینی برای این سه قلمرو سلطه، بر آبادانی کشور و راحت و رضایت رعیت هم تاکید داشت: مملکت ایران بهشت روی زمین است (ملت سنیه ایران، شماره ۱، ۱۵ محرم ۱۲۸۳). ارزانی و فراوانی نعمت به قسمی است که از عهد سلف، همه چیز ارزان تر و فراوان تر می‌باشد (وقایع اتفاقیه، شماره ۳، ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۶۷). اولیای دولت علیه در آبادی ممالک محروسه، عموماً و دارالخلافه تهران، خصوصاً سعی و اهتمام دارند (وقایع اتفاقیه، شماره ۲۶، ۴ ربیع الثانی ۱۲۶۷).

این روایت رسمی یا نمایش عمومی حکومت موجب پدید آمدن روایت های نهانی در میان توده‌ها می‌شد که یکی از خصائص اصلی این روایت ها «ویژگی انعکاسی» آن‌ها بود که بر اساس آن، توده‌ها به نفی ابعاد گوناگون نمایش و روایت حکومت می‌پرداختند و با خدشه دار کردن تمام اجزای تابلو و تصویر برساخته حکومت هر سه قلمرو سلطه را به چالش می‌کشیدند.

۴. نخستین سطح واکنش فرودستان به روایت رسمی: تمکین برابر قدرت و تایید روایت آن

توده‌ها در نخستین واکنش به روایت حکومت، امن ترین شکل معارضه سیاسی را انتخاب می‌کنند و تلاش می‌کنند با تأیید روایت رسمی حکومت زیر نقاب تمکین پنهان شوند. از همین رو به پذیرش تمام ابعاد تصویر برساخته حکومت تظاهر می‌کنند و نمایشی از رضایت و تمکین را به اجرا می‌گذارند. اما این پذیرفتن ادعاهای حکومت فرصت هایی را برای آن‌ها فراهم می‌آورد تا با تکیه بر همین تصویرها برخی از امتیازات و حقوق خود را از آن‌ها مطالبه کنند. از همین روست که با بهره گیری از تصویری که زمامداران از عدالت ورزی و دادگری

خود ساخته بودند ضرب‌المثل «شاه عادل گاو بکش که گنجشک هزار تاش یک من است» (بهمنیار، ۱۳۶۱: ۳۵۳) شکل می‌گیرد. توده در اینجا وانمود می‌کند که عادل بودن شاه را باور دارد و از او می‌خواهد که چون دادپیشه است مالیات‌ها را فقط از طبقات برخوردار اخذ کند.

به این ترتیب فرودستان نیز در کنار روایت نهانی خود صاحب یک روایت رسمی و ظاهری می‌شوند که بر تأیید روایت رسمی فرادستان مبتنی است؛ روایتی سرشار از ستایش و پذیرفتن مشروعیت و منزلت نخبگان مسلط. آن‌ها با این تحسین و تمجیدها به «تلطیف قدرت» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۰۷) می‌پردازند و «قدرت تلطیف شده مبنای دادخواهی رعیت را فراهم می‌آورد» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۰۷). مضمون رقت‌آمیز ضرب‌المثل‌های «از خون او یک کلوخ هم تر نمی‌شود» (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۸۸) و «چوب و گوشت با هم آشنایی ندارند» (بهمنیار، ۱۳۶۱: ۱۸۳) نشان می‌دهد که رعایا با تحسین و ستایش همه آنچه قدرتمندان درباره خود در نمایش عمومی گفته‌اند به تلطیف سلطه نظر دارند و از آن‌ها می‌خواهند در برابر فرودستان بیش از این از قوای قهریه بهره‌نگیرند.

اما بخش مهمی از روایت رسمی به اثبات صلابت و اقتدار حکومت اختصاص دارد. عامه در نخستین سطح واکنش خود به روایت رسمی باید مهر تاییدی نیز بر ادعای مقتدر بودن حکومت بزنند. ضرب‌المثل‌های «حکم حاکم و مرگ مفاجا» (بهمنیار، ۱۳۶۱: ۲۰۲) و «چماقش شبی هفده من جو می‌خورد» (بهمنیار، ۱۳۶۱: ۱۸۱) نمونه‌های چنین کنشی هستند. جدی‌گرفتن تهدیدهای حکومت و وانمود کردن به ترس از تنبیهات ماموران آن نیز بخشی از این اذعان به اقتدار ارباب سلطه است. ضرب‌المثل‌های «دم را که نهادند و دمیدند تو دیدی / آن‌ها که ندیدند بگو حاذق دم باش» (شهری باف، ۱۳۸۴: ۳۱۹) و «هنوز پالان ندیده‌اید» (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۸۸۹) نمونه‌هایی از تلاش توده برای ابراز ترس از ارباب قدرت در پیشگاه آن‌ها و از سویی توصیه به همترزان خود برای در پیش گرفتن رفتاری توأم با تمکین در برابر سلطه است. به بیان اسکات «هر چه قدرت تهدید‌آمیزتر باشد نقابی که فرودستان بر چهره می‌گذارند ضخیم تر است» (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۵). این نمایش انقیاد فرودستان به ویژه در یکی از مهم‌ترین

حوزه‌های مواجهه حکومت و مردم یعنی اخذ مالیات بازتاب یافته است. ضرب‌المثل‌های «دو چیز سوخت نمی‌شود مالیات دیوان و سرمای زمستان» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۲۷۶)، «از خراج شاه که فرار کنی گرفتار غول بیابان می‌شوی» (شاملوج ۱۳۷۸/۲: ۱۹۸۱)، «پول داروغه کیسه را پاره می‌کند» (شاملو ج ۱۳۷۸/۳: ۱۹۹)، «دادن جریمه به حکومت از نماز واجب تر است» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۲۴۵) و «نادرقلی بودن و پول خواستن» (شاملو ج ۱۳۷۸/۳: ۸۲۵) بخشی از رفتار سیاسی زبردستان را بازنمایی می‌کنند که بر تظاهر به تمکین در برابر زورستانی حکام و مالیات معین شده استوار است؛ هرچند همان گونه که در بخش‌های بعد خواهیم دید توده‌ها از هیچ گونه تلاشی برای گریز از مالیات فروگذار نمی‌کردند.

اما اسکات در نظریه خود به رصد نوع ظریف تری از عمل سیاسی فرودستان در این سطح پرداخته و آن را «شاه دوستی ساده دلانه» نام نهاده است. در این ترفند، عامه با تجاهل به‌اینکه تمام مامورانی که به ستاندن مالیات‌های سنگین یا وا داشتن مردم به کار اجباری مشغول‌اند فرمان بردار شاه یا حاکم ولایت هستند، آن‌ها را افراد نافرمانی توصیف می‌کنند که بر خلاف خواسته‌های شاه، به آزار و زورستانی از مردم مشغول‌اند و اگر اخبار بدکرداری‌های آن‌ها به شاه برسد همه را معزول و تنبیه خواهد کرد و هنگامی که چنین اتفاقی نیفتد نشانه این است که شاه به ناحق بر تخت نشسته است (اسکات ۱۳۹۶: ۱۱۱). توده در این کنش، نافرمانی خود را با «نمایش ظاهری وفاداری به پادشاه» (اسکات ۱۳۹۶: ۱۱۱) توجیه می‌کند که در حقیقت دعوتی است به مقاومت در برابر همه ماموران شاه (اسکات ۱۳۹۶: ۱۱۰). ضرب‌المثل «شبان خفته و گرگ در گوسفند» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۳۵۳) پادشاه یا حاکم را به چوپانی که مراقب گوسفندان است تشبیه می‌کند و تنها گماشتگان و ماموران او را گرگ می‌نامد و همزمان از او درخواست می‌کند که بیدار باشد و از رعیت در برابر این گرگ‌ها حمایت کند. همچنین است ضرب‌المثل «رجاله ز پیش و شه ز دنبال آید» (شاملو ج ۱۳۷۸/۳: ۹۹۸) که با توصیف این رسم مقامات عصر قاجاریه که هنگام ظاهر شدن در معابر، خدم و حشم خود را پیش می‌انداختند و به دنبال آن‌ها راهی می‌شدند، تنها ملتزمان رکاب شاهی را رجاله می‌نامد، نه خود او را.

۵. دومین سطح واکنش فرودستان به روایت رسمی: نقد قدرت در غیاب حاکمان

بنابر نظریه «روایت های نهانی» تأیید روایت حکومت و تظاهر به تمکین در برابر آن به لحظاتی محدود می‌شد که فرودستان در برابر نگاه‌های تهدیدگر قدرت در نمایش سلطه و رضایت شرکت داشتند؛ اما بیرون از صحنه نمایش، جایی که از دایره کنترل ارباب سلطه بیرون است، فرهنگ سیاسی دیگری آشکار می‌شد که با فرهنگ سیاسی رسمی تفاوت‌های بسیاری داشت. این گفتمان پس پرده یا روایت نهانی نسبت مستقیمی با میزان سلطه دارد و اگر سلطه بسیار شدید باشد ممکن است روایت نهانی به همان شدت ایجاد شود (اسکات ۱۳۹۶: ۳۹). ضرب‌المثل «پشت سر شاه، گور پدر شاه» (ذوالفقاری ۱۳۸۴: ۳۱۰) که در برخی منابع، دشنام آن با استهجان بیشتری هم ثبت شده است، نمونه همین گفت و گوی تندی است که پشت صحنه نمایش عمومی در جریان است.

مهمترین ویژگی این گفتمان پس پرده، بازتابی و انعکاسی بودن آن است؛ به این معنا که روایت نهانی برای نفی و زیر سوال بردن بخش های مختلف روایت رسمی حکومت و نیز خنثی کردن هر سه ساحت سلطه (مادی، منزلتی و ایدئولوژیک) سامان می‌یابد.

در ضرب‌المثل‌ها راهبرد نفی و خنثی سازی به ویژه در واکنش به دو محور مهم روایت رسمی (اقتدار حکومت و سیادت ذاتی اجزاء آن بر فرودستان) قابل رویت است؛ هرچند که محور دیگر تابلوی برساخته حکومت که راوی عدالت زمامداران و رضایت رعایاست نیز به چالش کشیده می‌شود.

۵-۱ نفی برتری تکوینی فرادستان بر توده‌ها

تعداد در خور توجه ضرب‌المثل‌هایی که سیادت و برتری تکوینی فرادستان را زیر سوال می‌برند جالب توجه است. این امر مقابله با سلطه منزلتی را به عنوان یک کنش محوری در نقد سلطه باز می‌نمایاند. چنین ضرب‌المثل‌هایی را سیادت ستیز می‌نامیم.

در ضرب‌المثل‌های سیادت ستیز گاه افعالی شنیع همچون فحشا و دزدی به نخبگان حاکم نسبت داده می‌شود تا آن‌ها را از جایگاهی فرا انسانی که روایت رسمی به آن‌ها بخشیده پایین بکشد؛ ضرب‌المثل‌هایی همچون «دختر شاه غازی ام، به هر چی باشه راضی ام» (شهری

باف ۱۳۸۴: ۳۰۱)، «دختر خان سردارم، آمخته به این کارم» (شهری باف ۱۳۸۴: ۳۰۱) و «آدم از دزدی فلانی می شود رفته رفته ایلخانی می شود» (شاملو ج ۲/۱۳۷۸: ۱۳۳۷).

این ستیز با ادعای سیادت ذاتی گاه در نسبت دادن پدیده‌های پست یا نام حیوانات به گروه‌های مسلط بازتاب یافته است. مانند «چ... رفته، گ... او مده، حاکم دهن دوز او مده» (امینی ۱۳۸۹: ۲۳۱) یا «آقا؟ شاغال تو باغا» (شهری باف ۱۳۸۴: ۳۶) و نیز با اسناد برخی صفات اخلاقی مذموم به فرومایگی فرادستان اشاره دارند؛ همچون «هلاک خنجر مفت اند غازیان قجر» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۵۵۸) و نیز ضرب‌المثلی که با ارجاع به رفتار حقیرانه یکی از اجزاء دربار قاجاریه بین مردم شایع شده بود. این فرد از مخاطب قرار گرفتن توسط شاه بر سر شوق آمده بود: «شاه به لفظ مبارک فرمود ای قُر...» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۳۵۲). به این ترتیب، ویژگی بازتابی روایت نهانی عامه، در برابر ادعای برتری ذاتی نخبگان مسلط بر فرومایگی ذاتی آن‌ها انگشت می‌گذاشت تا سلطه منزلتی ایشان را مخدوش کند.

۵-۲ نفی صلابت و اقتدار زمامداران

اما بخشی از روایت رسمی حکومت به اثبات صلابت آن اختصاص داشت؛ شکوه و اقتداری که ابزار سلطه مادی به شمار می‌رفت. اثبات این صلابت و اقتدار با پیگیری آیین‌ها و مناسک قدرت همچون به نمایش گذاشتن قوای نظامی و اسلحه آن‌ها و یادآوری پیروزی‌های حکومت در سرکوب مخالفان و گاه تنبیه و قتل شورشیان در برابر دیدگان مردم انجام می‌شد. در اینجا نیز ویژگی بازتابی روایت نهانی توده‌ها سبب می‌شد که با تحقیر اقتدار مأموران دولت این محور از روایت رسمی نیز زیر سوال برود. ضرب‌المثلی مانند «آقای مامور چی خوردی؟ نخودو. بخور و بدو» بی‌عرضگی برخی مأموران اخذ مالیات را از پرده بیرون می‌اندازد (بهمنیار ۱۳۶۱: ۳۲) که نه تنها موفق نشده مداخلی [پولی] که کارکنان دولت افزون بر مواجهی که از حکومت می‌گرفتند، از مردم دریافت می‌کردند] برای خود کسب کند بلکه از گردآوری مالیاتی هم که برعهده داشته عاجز بوده است. این ضرب‌المثل‌ها را «اقتدار ستیز» می‌نامیم. توده با انتشار چنین ضرب‌المثل‌هایی ضعف برخی از عناصر حکومت را به یکدیگر یادآور می‌شدند تا برای «به حداقل رساندن غضب» که یکی از اهداف روایت نهانی به شمار

می رود مثالی ملموس از ضعف حکومت را در خاطر داشته باشند. ضرب‌المثل «اگر مردی دهنه آق دربند را ببند» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۴۱) کنایه از ضعف حکومت در برابر راهزنان و طراران است و مأخذ آن ماجرای دیدار یکی از مجتهدان خراسان با والی آنجاست، در حالی که دکمه‌های قبای مجتهد باز بوده. والی که از دیدن این صحنه خشنود نبود به یکی از نوکرانش می‌گوید: «دکمه‌های آقا را ببند.» مجتهد خودش دکمه‌هایش را می‌بندد و می‌گوید: «اگر راست می‌گویی دهنه آق دربند را ببند که اشرار و قطاع‌الطریق عبور نکنند» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۴۲).

همچنین ضرب‌المثل «ببخشید خیال کردم ملکه است» (ذوالفقاری ۱۳۸۴: ۲۳۳) به ماجرای اشاره دارد که دلقک دربار تعرضی به شاه می‌کند و سپس برای عذرخواهی این جمله را بر زبان می‌آورد و اقتدار رأس هرم قدرت را که حتی نمی‌تواند از عفت خانواده‌اش مراقبت کند به ریشخند می‌گیرد.

۳-۵ نفی دادپیشگی حکمرانان

راهبرد نفی به ویژه در ضرب‌المثل‌هایی با مضمون نفی عدالت حکومت و رضایت رعیت مشاهده می‌شود تا مشروعیت حکومتی که تصویری آرمانی از خود ساخته بود به تدریج رنگ ببازد. از آنجا که در این مرتبه از کنش سیاسی، توده‌ها در پایگاه‌های امن اجتماعی خود که اسکات آن را «گهوارهٔ روایت نهانی» (اسکات ۱۳۹۶: ۱۳۲) می‌نامد بیانی رسا و بدون استتار دارند در این ضرب‌المثل‌ها نیز صراحتاً به ستمگری و سببیت ارباب قدرت اشاره می‌شود: «اگه تنور از نون خوردن سیر شد، حاکم از خون خوردن سیر میشه» (شهری باف ۱۳۸۴: ۷۶) ، «کار را به جایی رسانده که دو خانه به یک بادیه مس محتاج اند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۸۴) و «تا بیایی ثابت کنی خر نیستی، صد من بارت کرده‌اند» (شاملو ج ۱/۱۲: ۱۳۹۱: ۲۱۱). در گروهی از این ضرب‌المثل‌ها علاوه بر آن که واژه‌های ظلم و ظالم بسامد بالایی دارند (بنا بر ویژگی بازتابی روایت عامه که بر استفادهٔ فراوان از این واژه‌ها در برابر تکرار واژه عدالت در ادبیات حکومت تأکید دارد) بر سست بودن بنیاد حکومت بیداد پیشه نیز تأکید می‌شد: «خانه که به ظلم سازی سگ در آن کند بازی» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۲۱۳) ، «خانه ظالم به آه مظلوم خراب

است» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۲۱۳)، «ظالم پای دیوار خود را می‌کند» (امینی ۱۳۷۹: ۴۶۵) و «دست ظلم کوتاس» (شهری باف ۱۳۸۴: ۳۱۲).

فراوانی بیشتر ضرب‌المثل‌هایی که مضمون آن‌ها به نفی عدالت حکومت اختصاص داشت در کنار ضرب‌المثل‌های سیادت ستیز نشان می‌دهد که بیشترین دلمشغولی عامه در این سطح از عمل سیاسی، از سویی رد ادعای دادگری زمامداران و از طرفی چالش با سلطه منزلتی آن‌ها بوده است.

۶. سومین سطح واکنش توده‌ها به روایت حکومت: نقد قدرت در حضور قدرت

اسکات در تشریح حیات سیاسی فرودستان، مهمترین و گسترده‌ترین حوزه عمل سیاسی آن‌ها را تلاش برای نقد تلویحی قدرت در حضور قدرت می‌داند. به بیان او «هر گروه فرودستی آرزو دارد آنچه را در روایت نهانی نهفته است آشکارا بیان کند» (اسکات ۱۳۹۶: ۱۷۸). از همین رو این کنش‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که «یا معنایی دوگانه داشته باشند یا هویت بازیگران را پنهان کنند» (اسکات ۱۳۹۶: ۳۱). اسکات، تاکتیک نخست یا توسل به معانی دوگانه را استتار پیچیده و تاکتیک دوم یا پنهان کردن هویت بازیگران را استتار ساده می‌نامد.

۵-۱ استتار پیچیده

ضرب‌المثل‌هایی که با استتار ساده در جامعه منتشر می‌شدند از تاکتیک گمنامی در میان کوچه و بازار و خیابان بهره می‌بردند که به اندازه آسانی قابل پیگرد و استناد نیست. ضرب‌المثل‌هایی که در بردارنده اعتراض‌های صریح بودند و در بند پیشین ذکر آن‌ها رفت ممکن بود علاوه بر محافل خصوصی با بهره‌گیری از استتار ساده در سطح جامعه نیز مطرح شوند.

اما در استتار پیچیده، شاهد شکل‌گیری برخی از ضرب‌المثل‌ها با استفاده از صنایع ادبی همچون ایهام، استعاره و کنایه هستیم که قابلیت استتار درخور اعتنایی به آن‌ها می‌بخشید تا به ابزار موثری برای گفتگوی سیاسی در حضور قدرت تبدیل شوند. ایهام نهفته در این ضرب‌المثل نمونه‌ای از آزادی کلامی است که ارمغان ظرفیت فرهنگ عامه برای پیچیدن چند معنا در لفافه تعداد محدودی از کلمات است: «دزد نگرفته پادشاه است» (پولاک ۱۳۶۸: ۳۲۱) که در ظاهر به این گزاره اشاره دارد که دزد نگرفته سلطان است و پس از گرفتاری گریان

است (دهخدا ج ۲ / ۱۳۷۶: ۸۰۴). اما ساحت دوم معنایی آن به این نکته اشاره دارد که تنها دزدی که دستگیر نشده پادشاه است؛ مضمونی که ایرج میرزا نیز آن را درونمایه شعرش قرار داده است: هرکس ز خزانه برد چیزی/گفتند مبر که این گناه است/تعقیب نموده و گرفتند/دزد نگرفته پادشاه است (شاملو ج ۳ / ۱۳۷۸: ۱۷۶).

در این سطح نیز شاهد مضامین اقتدارستیزی، سیادت ستیزی و نفی دادگری حکمرانان هستیم؛ اما وجه تمایز آن‌ها با سطح پیشین، میزان استتار و غنای ادبی و فرهنگی شان به علت بهره برداری از صنایع ادبی یا ارجاعات به متون ادبی و تاریخی است.

ضرب‌المثل‌هایی که برگرفته از ماجرای بودند و داستانی به پیوست آن‌ها نقل می‌شد از ارجاع متنی خود به عنوان پوشش و استتار بهره می‌بردند. اصل ضرب‌المثل به اندازه کافی از ابهام برخوردار بود که گوینده را در معرض تنبیه اصحاب قدرت قرار ندهد؛ اما هنگامی که تصمیم می‌گرفت مأخذ آن را برای مخاطبان تعریف کند درونمایه سیاسی آن آشکار می‌شد. توده در برخی ضرب‌المثل‌های سیادت ستیز، از همین ترفند استفاده می‌کند تا در برابر ادعای برتری ذاتی و تکوینی فرادستان آن‌ها را نامشروع و حرامزاده معرفی کند. مانند ضرب‌المثل‌های «آدم فقیر بیچاره کارش را خودش می‌کند» (شاملو ج ۱ / ۱۳۷۷: ۳۶۲) و «استعداد نداشت توپچی از کار درآمد» (ذوالفقاری ۱۳۸۴: ۱۱۱). این دو ضرب‌المثل در ظاهر هیچ اشاره‌ای به حرامزادگی برخی گروه‌های فرادست ندارند؛ اما ارجاع شان به ماجراهایی که در آن‌ها این اتهام صریح تر مطرح می‌شود از استتار مناسب آن‌ها خبر می‌دهد. ایهامی که در هر دو عبارت نهفته است دو معنای کاملاً متفاوت را برای آن‌ها منظور کرده است. ضرب‌المثل نخست در ظاهر به این مضمون اشاره دارد که افراد فقیر چون گماشته و نوکر ندارند مجبوراند همه کارهایشان را خودشان انجام دهند. اما داستانی که به پیوست این مثل نقل می‌شد به پرسش اعیان زاده‌ای از باغبانش برمی‌گشت که از شباهت باغبان و فرزندش شگفت زده شده بود و باغبان در پاسخش همین جمله را بر زبان رانده بود. این ضرب‌المثل نمونه‌ای است از استتار پیچیده که ضعیفان معنایی را در عبارات خود می‌گنجانند که «برای مخاطبان مورد نظر قابل درک و برای گروه‌هایی که کنشگران می‌خواهند حذف کنند مبهم

است... این عمل سیاسی در ردایی پیچیده شده که می تواند مدعی بی گناهی شود» (اسکات ۱۳۹۶: ۱۷۳) و شرط بیان علنی این انتقادات آن است که آن قدر غیرمستقیم و مبهم باشد که بتوان از آن دوخوانش ارائه کرد که یکی از آن‌ها بی ضرر باشد.

در ضرب‌المثل دوم نیز گویی به بی استعدادی برخی افراد اشاره شده که در یکی از پایین ترین رتبه‌های قشون یا توپچی گری قرار داشته‌اند (خوانش اول). اما مضمون داستانی که درباره آن نقل می‌شود به حرامزادگی تمام صاحب‌منصبان قشون اشاره دارد (خوانش دوم). مثلاً «بخشید کتک شما را حلاج خورد» بیدادگری حکومت را گوشزد می‌کند بی آنکه چنین مضمونی از ظاهر آن برداشت شود؛ اما مأخذ آن به اشتباه وزیر نظام اشاره داشت که به جای یک نانو، حلاجی را به فلک بسته بود و وقتی نانو را به حضورش آوردند از او پوزش خواست که ببخشید کتک شما را حلاج خورد (دهخدا ج ۱۳۷۶/۱: ۳۷۹).

ضرب‌المثل‌های «مردۀ ناصرالدین شاه را می زنی؟» (وکیلان ۱۳۸۹: ۱۱۶)، «اول می کشند، بعد می شمارند» (شاملو ج ۲/ ۱۳۷۸: ۱۰۸۲)، «بازی شاه با لله» (شاملو ج ۲/ ۱۳۷۸: ۴۸۷) و «حدشان به شارع است» (شهری باف ج ۱/ ۱۳۶۹: ۵۳۸) نیز از چنین پوشش و استتاری بهره می‌بردند.

ذکر ماجرای از گذشته‌ای دور یکی از شیوه‌های استتار در ضرب‌المثل‌هایی بود که ادعای عدالت و رزی حکومت را نفی می‌کردند. گوینده می‌توانست مدعی شود ماجرای را از گذشته نقل کرده و از زمامداران قاجاریه انتقاد نکرده است؛ مانند: «آفرین باد بر دیوان بلخ» (بهمینار ۱۳۶۱: ۳۲) که به قضاوت‌های عجیب و مضحک در دیوان بلخ در گذشته‌های دور اشاره دارد. گوینده ضرب‌المثل «خوشا آن دوره که خرد می‌کردیم پاپاسی را/ خدا رحمت کند مرحوم حاج میرزا آقاسی را» (شاملو ج ۳/ ۱۳۷۸: ۱۶۴) تنها یاد نیکی از دوران حاج میرزا آقاسی می‌کند بدون آنکه با صراحت از گرانی عصر خود شکایت کرده باشد. در اینجا نیز «حس مبهم و قابل انکار نارضایتی» (اسکات ۱۳۹۶: ۱۶۸) به یاری گوینده می‌آید، چون می‌تواند ادعا کند فقط برای صدراعظم در گذشته طلب رحمت کرده است.

بسیاری از ضرب‌المثل‌هایی که به سطح سوم کنش سیاسی توده‌ها تعلق دارند از صنعت ادبی کنایه برای پوشش و استتار استفاده می‌کنند؛ همچون ضرب‌المثل اقتدارستیز «جقه چوبی اش را زده». این ضرب‌المثل کنایه از آن بود که یکی از زمامداران، مردم را به تنبیه و خشونتی تهدید می‌کند که در حد و اندازه قدرت او نیست (مستوفی ج ۱/۱۳۷۷: ۶۴). عبارت «جقه چوبی» به تفسیر و توضیح احتیاج داشت: جقه دروغینی در برابر جقه واقعی شاهانه و نشان‌های از آن که صاحبش از قدرتی که ادعا می‌کند برخوردار نیست. نیاز این عبارت به این توضیحات، آن را به تعبیری استتار شده تبدیل می‌کرد.

اما همه ضرب‌المثل‌ها کنایه نیستند (ذوالفقاری ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۰۹). در ضرب‌المثل «شبانی گرگ بی تماشا نیست» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۳۵۳) گرگ استعاره‌ای از ظالم و شبانی هم استعاره‌ای از حکومت است. نشستن این دو واژه در کنار هم استعاره پارادوکسیکالی ساخته است که بر پیچیدگی و قدرت استتار آن افزوده است.

۲-۵ رویارویی با «پنهان سازی» نخبگان مسلط

همانطور که پیش از این ذکر شد در نظریه روایت‌های نهانی «پنهان سازی» یکی از ترفندهای سلطه برای شکل دادن به روایت رسمی است. به بیان اسکات «همه شکل‌های سلطه باید چیزی را از چشم زیردستان پنهان کنند ولی برخی از شکل‌های سلطه چیزهای بیشتری برای پنهان ساختن دارند» (اسکات ۱۳۹۶: ۶۴). تلاش مردم برای دریافت اخباری از درون دربار، آن گونه که کنت دوگوبینو در عصر محمد شاه قاجار و آغاز عصر ناصرالدین شاه نقل می‌کند (گوبینو ۱۳۶۷: ۴۰۴) گواه آن است که راهبرد نفی و خشی سازی توده‌ها تکاپوی آن‌ها را برای کنار زدن پرده‌های ضخیم قدرت در پی داشته است.

در ضرب‌المثل «نخس را کشیدند» عامه نشان می‌دهد که دست حکومت رادر پنهان کاری و پوشاندن ضعف‌هایش خوانده است: پادشاهی بسیار پرگو بود و غالباً در برابر عموم سخنانی بر خلاف مصالح حکومتش بر زبان می‌راند. وزیرش تدبیری کرده و نخس را به یکی از اعضای او بسته بود و هر بار که سخنان پادشاه به حد آسیب‌رسانی می‌رسید وزیر نخ را می‌کشید و پادشاه از درد ساکت می‌شد (امینی ۱۳۵۱: ۱۷۵). استتار درونمایه این ضرب‌المثل

هم با ارجاع به متن صورت گرفته و هم با اشاره به پادشاهی در زمانی دیگر (نه حاکمان قاجاریه) که این دو در کنار هم استتاری مضاعف را در پی داشته است.

۳-۶ تلطیف

گروه‌های ضعیف گاهی به شکلی پوشیده ارباب قدرت را تهدید هم می‌کردند؛ شکلی از روایت نهانی که در برابر قدرت اظهار می‌شد و تاکتیک استتار آن در این نظریه «تلطیف» نامیده می‌شود. تلطیف، تهدیدی است که شنونده آن را در می‌یابد اما چنان مبهم است که نمی‌توان آنرا «دستاویزی برای تعقیب قرار داد» (اسکات ۱۳۹۶: ۱۶۷).

در ضرب‌المثل‌هایی که شگرد تلطیف در آن‌ها به کار رفته، گاهی شاهد ترساندن مخاطب از دچار شدن به سرنوشت حکام بیداد پیشه گذشته هستیم. مانند «نادر رفت و برنگشت» (شهری باف ۱۳۸۴: ۵۷۰) و «همچی برو نادر رفت... ز از... نادر رفت» (شهری باف ۱۳۸۴: ۶۳۴). بدیهی است که حاکمان قاجاریه به خاطر توهین فردی به نادرشاه به او متعرض نمی‌شدند.

بعضی دیگر از ضرب‌المثل‌هایی که از ترفند تلطیف در آن‌ها استفاده شده بود قدرتمندان را از آینده‌ای می‌ترساندند که در آن اوضاع دگرگون خواهد شد. مانند: «این سبو گر نشکند امروز فردا بشکند» (شاملو ج ۲/۱۳۷۸: ۱۱۸۸) و «خانه گرگ خراب است» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۲۱۴) یا «از دیوونه پرسیدن دوست داری شاه بشی؟ گفت نه، عاقبت نداره» (شهری باف ۱۳۸۴: ۵۶).

دسته‌ای دیگر از تهدیدهای تلطیف شده، ارباب سلطه را از قدرت رعیت در صورت یکپارچگی آن‌ها می‌ترساندند. همچون «پشه چو پر شد بزند پیل را» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۱۲۱) که هم با استفاده از صنعت استعاره، گوینده را در سایه رمز و ابهام مصون نگه داشته و هم مخاطب مسند نشین را از قدرت ضعیفان ترسانده است.

۷. روایت نهانی در مقام عمل

بخشی مهم و حیاتی در نظریه روایت های نهانی به این نکته اشاره دارد که روایت های نهانی فقط دربردارنده کنش های گفتاری نیستند بلکه با مجموعه ای از اقدام های عملی پنهانی پیگیری می شوند که برای به حداقل رساندن غصب دسترنج ضعیفان طراحی شده اند (اسکات ۱۳۹۶: ۲۰۲).

کم کاری، بی دقتی، تولید پنهانی در مزرعه اربابان برای فروش، فرار از پرداخت مالیات، شکار غیرقانونی، خوشه چینی، تحویل اجاره با اجناس غیر مرغوب و... نمونه هایی از این اقدامات عملی فرودستان در محیط ارباب رعیتی است که نشان می دهد آنچه روابط فرادستان و زیردستان را شکل می دهد «فقط تعارض اندیشه هایی درباره کرامت و حق حاکمیت نیست بلکه فرایندی است که ریشه های عمیقی در اقدامات مادی و عملی دارد» (اسکات ۱۳۹۶: ۲۰۲). این بخش مهم از حیات سیاسی فرودستان نیز در ضرب المثل ها منعکس شده است.

۷-۱ فرار

فرار از روستاها یکی از ابزارهای مقاومت روستاییان در برابر زور ستانی ها و مالیات های سنگین بود. فرار از روستا و زیر کشت نرفتن زمین ها ضرری جبران ناشدنی را برای حکومت به دنبال داشت. از همین رو حکومت از این فرار یا حتی مهاجرت ها واهمه داشت و در مواردی که روستاییان به عللی به جز مالیات، همچون خشکسالی، دهات خود را ترک کرده بودند با وعده بذر رایگان آنها را به بازگشت تشویق می کرد (میرکیایی ۱۳۹۴: ۹۴). ضرب المثل «شاه بی رعیت نمی شود اما رعیت بی شاه می شود» (بهمنیار ۱۳۶۱: ۳۵۳) به نیاز حکومت به رعایا و نگرانی اش از فرار آنها اشاره دارد. نقشه رعایا برای فرار از روستا در صورت عدم توافق کدخدا با ممیز مالیاتی، در مأخذ ضرب المثل «این هم شده مثل قلیان دهبوره» (ذوالفقاری ۱۳۸۴: ۲۰۳) دیده می شود: ماموران مالیاتی تمام مردان آبادی دهبوره را در خانه کدخدا جمع کرده، میزان مالیات روستا را اعلام می کنند. کدخدا که نمی تواند ممیز مالیاتی را به کاهش مالیات مجاب کند دو نفر از اهالی را به بهانه آوردن چند قلیان برای آقایان از خانه اش بیرون می فرستد و به آنها اشاره می کند که برنگردند. پس از چند دقیقه که از آنها خبری نمی شود، دو نفر دیگر را به دنبال ایشان می فرستد؛ اما آنها هم بر نمی

گردند. کدخدا به همین ترتیب تا نفر آخر را بیرون می فرستد و سپس در حالی که تظاهر می کند عصبانی است برای آوردن قلیان و یافتن آن‌ها بیرون می رود. ماموران ساعتی منتظر می مانند و هنگامی که از خانه بیرون می روند متوجه می شوند کدخدا همه اهالی روستا را به بهانه آوردن قلیان فراری داده است. واهمه حکومت از فرار روستاییان به ابزاری در دست مردم تبدیل می شد تا مالیات‌ها را اندکی تعدیل کنند. گردش چنین ضرب‌المثل‌هایی در بین توده‌ها، آن‌ها را از قدرتشان در چانه زنی با حکومت آگاه می کرد و روش های مقاومت عملی را یادآور می شد. توصیه‌های اینچنین برای مقاومت عملی در برابر سلطه، در ضرب‌المثلی مانند «خر بارکش را بارش می کنند» (شاملو ج ۱۲/۱۳۹۱: ۲۱۱) دیده می شود که مخاطب را به هر روشی برای گریز از استثمار فرادستان سفارش می کند. بدیهی است که این شیوه‌های فرار از بهره کشی باید از مقابله آشکار با سلطه پرهیز کنند، پس به اقدامات پنهانی و خاموشی محدود می شوند که بخش عملی روایت نهانی را می سازد.

۷-۲ مراقبت و سرزنش

بخش عملی روایت نهانی شامل ایجاد یک فضای مراقبت و مجازات در بین فرودستان نیز می شد. «به همان اندازه که روسا بر زیردستان نظارت دارند، هم قطاران شان نیز آن‌ها را زیر نظر دارند» (اسکات ۱۳۹۶: ۱۴۳).

ضعیفان این فشار اجتماعی را برای آن که منافع جمعی شان کمتر آسیب ببیند طراحی می کنند. هر فرودستی که بخواهد خود را برای نخبگان مسلط شیرین کند تا به امتیازی دست یابد هنگام حضور در میان همترانش باید به آن‌ها پاسخگو باشد. مجازات‌هایی که برای او در نظر گرفته می شد «از اطوار کوچک حاکی از ناخرسندی تا طرد کامل و البته ارباب و خشونت فیزیکی را در بر می گرفت» (اسکات ۱۳۹۶: ۱۴۳).

ضرب‌المثل «اگر فضول نباشد شاه از کجا می داند علی آباد کجاست» (بهمینار ۱۳۶۱: ۴۰) کسانی را سرزنش می کند که راه روستاهای دور افتاده‌ای را که در دفترهای مالیاتی از قلم افتاده بودند به ماموران حکومت نشان می دادند. مشابه این ضرب‌المثل که به مناطقی در کاشان و تهران اشاره دارد از بسامد بالای چنین وضعیت و کنشی در میان مردم خبر می دهد: «اگر

فضول نبود کسی نمی دانست خُـمب دره [از روستاهای کاشان] کجاست» (وکیلان ۱۳۸۹: ۱۱۳) و «اگر فضول نبود شاه از کجا می دانست پس قلعه [از توابع تهران] کجاست» (شهری باف ۱۳۸۴: ۷۳).

این نکوهش و تنبیه متملقین در ضرب‌المثل‌های دیگری نیز به چشم می خورد: «نان خودت را می خوری چرا حلیم حاج میرزا آقاسی را هم میزنی؟» (امینی ۱۳۸۹: ۶۵۳) و «نان خودش را می خورد و دایره زن قنسول را نم می زند» (امینی ۱۳۸۹: ۶۵۳). یا ضرب‌المثل‌هایی که با ارجاع به ماجرای چاپلوسی برخی فرودستان در بین عامه شایعه شده بودند: «کاکای امیر اعظم است، عاشق است به هر کس که شما صلاح بدانید» (ذوالفقاری ۱۳۸۸: ۶۹۸) یا «کاکای محمدزمان خان است، به جای آرایش هم قسم می خورد» (ذوالفقاری ۱۳۸۸: ۶۹۸).

مراقبت عمومی فرودستان نسبت به رفتار هر یک از همتران شان در برابر گروه‌های مسلط به پدید آمدن هنجارهایی در بین آن‌ها منجر می شد که اسکات این فرایند را «محتوای هنجار ساز روایت نهانی» می نامد (اسکات ۱۳۹۶: ۱۴۳). توده‌ها در مواظبت از این هنجارها به هم نوایی چشمگیری دست پیدا می کردند. این هم نوایی توان مجازات جمعی را به زیردستان می بخشید که «سلاحی قدرتمند» (اسکات ۱۳۹۶: ۱۴۳) در دست آن‌ها به شمار می رفت.

۸. نتیجه گیری

شناخت رفتار سیاسی توده‌ها با کاوش در ضرب‌المثل‌ها نشان می دهد که واکنش آن‌ها به سلطه از پیچیدگی و تنوعی برخوردار است که سطوح و لایه‌های مختلف آن به تفسیر و توضیح نیاز دارد. عدم توجه به این پیچیدگی‌ها ناظران را در تشریح عمل سیاسی فرودستان به اشتباه می اندازد.

آن گونه که از ضرب‌المثل‌ها برمی آید کنش توده‌ها در برابر قدرت، پیوستار وسیعی را از تمکین در برابر سلطه تا نقد قدرت در غیاب و حضور نخبگان مسلط و مقاومت عملی پنهانی در برمی گیرد. بر این اساس، حیات سیاسی توده‌ها در چند سطح که بعضاً متناقض به نظر می رسند در جریان است و از آنجا که در واکنش به سلطه شکل گرفته است نخست باید کنش قدرتمندان مورد توجه قرار گیرد؛ این کنش، به ویژه در نمایش عمومی یا روایت رسمی

نخبگان حاکم و نیز تلاش آن‌ها برای پیش بردن سلطه در سه قلمرو مادی، منزلتی و ایدئولوژیک دیده می‌شود. سطوح مختلف عمل سیاسی فرودستان در نفی این روایت رسمی و خنثی سازی سلطه در هر سه ساحت آن پدید می‌آید.

در ضرب‌المثل‌هایی که درونمایه آن‌ها تایید روایت رسمی حکومت بود، عامه هم ادعای اقتدار زمامداران را می‌پذیرفتند و هم دادپوشی آن‌ها را. با پذیرش ادعای صلابت آن‌ها، تظاهر می‌کردند که راهی جز همراهی با حکومت در پرداخت مالیات‌ها ندارند اما با توسل به ادعای عدالت ورزی حاکمان از آن‌ها می‌خواستند که با رعایت رعیت، مالیات‌های ظالمانه و زورستانی‌ها را کمتر کنند. آن‌ها همچنین با ترفند «شاه دوستی ساده دلانه» مقاومتی را در برابر همه کارگزاران شاه سامان می‌دادند.

گروهی دیگر از ضرب‌المثل‌های سیاسی در بردارنده نقدهای تندی بود که در غیاب اصحاب قدرت در محافل خصوصی زیردستان پدید می‌آمد. این ضرب‌المثل‌ها در تناقض آشکار با ضرب‌المثل‌های دسته نخست، از سوئی دادگری حکومت را نفی می‌کردند و از طرفی سیادت ذاتی فرادستان را زیر سوال می‌بردند. به این ترتیب در این ضرب‌المثل‌ها شاهد تقابل عامه با سلطه مادی و منزلتی به صورت همزمان هستیم.

اما رفتار سیاسی زیردستان لایه دیگری نیز داشت که راوی نقد اصحاب قدرت در حضور آن‌ها بود. چنین ضرب‌المثل‌هایی از شیوه‌های متنوع استتار مضامین خود بهره می‌بردند؛ استفاده از صنایع ادبی همچون ایهام، استعاره و کنایه و نیز ارجاعات متنی و تاریخی برخی ضرب‌المثل‌ها بعضی از این روش‌های استتار بودند. تهدید ارباب قدرت با شگرد «تلطیف» نوع دیگری از استتار به شمار می‌رفت که در آن مخاطبی از طبقه فرادست، هم از آینده‌های تلخ ترسانده می‌شد و هم به آن‌های برای پیگرد و تعقیب گویندگان نداشت.

ضرب‌المثل‌ها بخشی دیگر از کنش سیاسی توده‌ها را نیز بازتاب می‌دهند؛ مقاومت عملی و نهانی در برابر قدرت. این ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهند که روایت نهانی توده‌ها تنها حاوی کنش‌های گفتاری و کلامی نیست. برخی از این ضرب‌المثل‌ها حاوی آموزش فرار از بهره

کشی و استثمار هستند و بعضی از آن‌ها نیز فضای مراقبت و مجازاتی را بازتاب می‌دهند که نشان دهندهٔ رصد و پایش رفتار زیردستان در برابر فرادستان توسط هم ترازان شان است. به این ترتیب تلاش برای توضیح رفتار سیاسی عامه با اتکا به کنش های ظاهری آن‌ها، برخورداردی ساده انگارانه به شمار می رود که به غفلت از بخش عظیمی از حیات سیاسی آن‌ها منجر می شود. آن‌ها به صورت همزمان، قدرت را تأیید، نقد و حتی تهدید می کنند و به ویژه تلاش می کنند عدالت پیشگی زمامداران را زیر سوال برده و با ادعای سیادت ذاتی و سلطهٔ منزلتی آن‌ها مقابله کنند.

کتابنامه

اسکات، جیمز سی (۱۳۹۶)، *سلطه و هنر مقاومت؛ روایت های نهانی، ترجمه افشین خاکباز، تهران: مرکز*

امینی، امیرقلی (۱۳۵۱)، *داستان های امثال، اصفهان: دانشگاه اصفهان*

امینی، امیرقلی (۱۳۸۹)، *فرهنگ عوام، به کوشش غ. صدری افشار و م. کاظم زاده، تهران: مازیار*

بهمنیار، احمد (۱۳۶۱)، *داستان نامهٔ بهمنیاری، تهران: دانشگاه تهران*

پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۸)، *سفرنامهٔ پولاک، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی*

خاوری شیرازی، فضل الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین، ج ۱، به کوشش ناصر افشارفر، تهران: سازمان*

انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

خاوری شیرازی، فضل الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین، ج ۲، به کوشش ناصر افشارفر، تهران: سازمان*

انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۶)، *امثال و حکم، ج ۱، تهران: امیرکبیر*

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۶)، *امثال و حکم، ج ۲، تهران: امیرکبیر*

ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۴)، *داستان های امثال، تهران: مازیار*

ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷)، *تفاوت کنایه با ضرب المثل، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، بهار و*

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶)، *سیاست نامه‌های قاجاری*، ج ۲، تهران: موسسه تحقیقات و

توسعه علوم انسانی

شاملو، احمد (۱۳۷۷)، *کتاب کوچک*، ج ۱، تهران: مازیار

شاملو، احمد (۱۳۷۷)، *کتاب کوچک*، ج ۲، تهران: مازیار

شاملو، احمد (۱۳۷۸)، *کتاب کوچک*، ج ۳، تهران: مازیار

شاملو، احمد (۱۳۹۱)، *کتاب کوچک*، ج ۱۲، تهران: مازیار.

شهری باف، جعفر (۱۳۶۹)، *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، ج ۱، تهران: رسا

شهری باف، جعفر (۱۳۸۴)، *قند و نمک*، ج ۶، تهران: معین.

گویینو، ژوزف آرتور (۱۳۶۷)، *سفرنامه کنت دو گویینو: سه سال در آسیا*، ترجمه

عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتاب سرا

مستوفی، عبدالله (۱۳۷۷)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی اداری دوره قاجار*، ج ۱، تهران: زوار

میرکیایی، مهدی (۱۳۹۴)، *نان و سیاست: تاثیر بحران‌های نان بر سیاست و اقتصاد عصر*

ناصری، تهران: علم

وکیلیان، سیداحمد (۱۳۸۹)، *گذری و نظری بر تمثیل‌های تاریخی قاجار، فرهنگ مردم، سال*

نهم، شماره ۳۵ و ۳۶، ۱۱۶-۱۱۲

وقایع اتفاقیه، شماره ۳، ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۶۷

وقایع اتفاقیه، شماره ۴، ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۶۷

وقایع اتفاقیه، شماره ۱، ۱۹۹ ربیع الاول ۱۲۷۱

وقایع اتفاقیه، شماره ۱۷۹، ۱۰ شوال ۱۲۷۰

ایران، شماره ۲۶، ۲ ربیع الاول ۱۲۸۸

ملت سنیه/ایران، شماره ۱، ۱۵ محرم ۱۲۸۳